

سخنی کوتاه دربارهٔ
بنیاد شاهنامهٔ فردوسی



از انتشارات بنیاد شاهنامه فردوسی

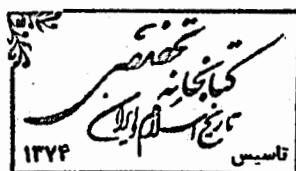
چاپخانه وزارت فرهنگ و هنر

سخنی کوتاه درباره

بنیاد شاهنامه فردوسی

اسکن شد

« مقام شاهنامه فردوسی در تاریخ ایران به مراتب بالاتر از مقام يك اثر ادبی بزرگ ملی است ، زیرا این اثری است که اصولاً یکی از ارکان ملیت ایرانی بشمار می رود و اگر نفوذ عمیق آن در تقویت روحی و برانگیختن غرور ملی ایرانیان نبود به احتمال قوی بسیاری از صفحات تاریخ پر حادثه و شگفت انگیز ما در طول هزار ساله گذشته به آن صورت که اکنون شاهد آنیم نوشته نمی شد. مسلماً مبالغه نیست اگر گفته شود در تاریخ ملل جهان کمتر اثر ادبی می توان یافت که باندازه شاهنامه فردوسی در شخصیت ملی يك کشور و در جریان حوادث تاریخ آن اثر بخشیده باشد.»*



* از پیام شاهنشاه آریامهر به نخستین جلسات سخنرانی و بحث درباره شاهنامه فردوسی .



شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو هنگام گشایش آرامگاه فردوسی پس از نوسازی
و گسترش و تکامل در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۷



رضاشاه کبیر بنیادگذار کنگره جهانی فردوسی که در سال ۱۳۱۳ در تهران تشکیل شد

سخنی کوتاه درباره

بنیاد شاهنامه فردوسی

تهیه و تنظیم از : مهدی غروی



فردوسی طوسی، خالق شاهنامه
تصویر پیکره‌ای که توسط هنرمند نامی استاد صدیقی ساخته شده است

در این کتابچه می‌خوانیم :

سرگذشت شاهنامه

پایه‌گذاری، هدف، روش کار و برنامه بنیاد شاهنامه فردوسی

کارهای انجام شده

برنامه آینده

. اصالت فوق‌العاده این حماسه عظیم ملی باعث شد که در هزار سال اخیر آثار ادبی فراوانی به پیروی از شاهنامه فردوسی به وجود آید که طبعاً ارزش هیچکدام به پای حماسه فردوسی نمی‌رسد. همچنین توجه به اهمیت خاص شاهنامه، آنرا از همان زمان فردوسی مورد توجه سایر ملل جهان قرار داد و در نتیجه این اثر تقریباً به تمام زبانهای مهم دنیا ترجمه شد. *

* از پیام شاهنشاه آریامهر به نخستین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره شاهنامه فردوسی .

سرگذشت شاهنامه

با ظهور پیامبر بزرگ مسلمانان در شبه‌جزیره عربستان و طلوع خورشید اسلام در این سرزمین، ایرانیان نیز به‌جهاتی خاص که جای ارائه آن در این گفتار نیست اسلام آوردند و حتی بشهادت تاریخ، نومسلمانان ایرانی در راه پیشرفت نظامی و سیاسی دولت اسلامی در عصر خلفای راشدین کوشش فراوان داشتند. اما با گذشت زمان و گسترش اختلافات داخلی میان قبایل و عشایر عرب، نظام اسلامی به تبعیضات ملی و عشیره‌ای آلوده گردید و ناراضیان بسیار از گوشه و کنار این امپراطوری سر بر کشیدند.

ایرانیان نخستین قوم غیرعرب بودند که دانستند اصول مطروحه پیامبر بر مبنای برابری و برادری اسلامی متروک و مطرود شده‌است و این آغاز نهضت‌های استقلال طلبی و آزادی‌خواهی در ایران بود.

ظهور فرقه شعوبیه که برای مقابله با این تعصبات ستمگرانه تکوین یافت سبب شد که در تمام رشته‌ها و شؤون اجتماعی مقاومت منفی مستمری آغاز گردد، عریان‌ترین شکل این مقاومت براه انداختن نهضت‌های مذهبی و سیاسی در داخله ایران بود و معقول‌ترین آن طرفداری از آزادی فکر و عقیده و ارائه واقعیت‌های تاریخی. بزرگانی چون اسمعیل بن یسار و بشار بن برد پیشگامان این نهضت بودند که با ارائه مفاخر ایرانیان و یاد پادشاهان بزرگ ساسانی ب‌جنگ اصل برتری نژادی که بر محور خلافت عربی اسلام مبتنی بود، رفتند.

خراسان که در آستانه قرن دوم اسلامی توانسته بود با پرورش سرداری چون ابومسلم، خاندان اموی را که نمایشگر تعصب عربی و خوارداری مسلمانان غیرعرب بود ب‌خاک بکشد و پرورشگر ایران‌دوستان خاندان سامان گردد فردوسی را نیز پرورش داد، فردوسی برگزیده دهقانان ایران بود، دهقانان که بیش از همه طبقات از ستمها و نارواییهای دست‌نشانگان خلیفه زجر کشیده بودند این بار در صدد احیاء قومیت ایرانی و جاودان ساختن تاریخ خود برآمدند.

محیط حکومت سامانیان نیز برای چنین آغازی که نیاز به‌همتی

عالی داشت آماده بود، فردوسی در این راه نخستین کسی نبود اما با خلق شاهنامه بزرگترین کس شد. از سرگذشت فردوسی چیزی بیش از آنچه که از سرگذشت دیگر شاعران معلوم است نمی‌دانیم شاید بعثت مخالفت حکومت عصر با هدف عالی شاهنامه و محتوای آن، تا سالها پس از تکوین این اثر بزرگ دانشمندان و نویسندگان درباره‌اش سکوت کرده‌اند، نخستین کس که درباره فردوسی نوشت و نوشته‌اش بدست ما رسید نظامی سمرقندی بود که آن نیز ارزش تاریخی استواری ندارد، قدر مسلم اینست که در عصر سلجوقیان بزرگ که خود را هم‌پایه عباسیان عصر هارون و مأمون میدانستند توجه به شاهنامه بیشتر شد و صاحب راحت‌الصدور، یکی از نخستین کسانی است که ابیاتی از شاهنامه نقل کردند، طغرل دوم پادشاه سلجوقی هنگام نبرد با قتلغ اینانچ در سال ۵۹۰ در میدان جنگ شاهنامه میخواند و از رسالت تاریخی این شاهکار جاودانه، مدد میخواست.

همانگونه که روزگاری قدرت یافتن ایرانیان در دستگاه خلافت عباسی سبب شد که خلیفه معتصم ترکان را گرامی دارد و از نیروی نظامی ایشان برای سرکوبی ایرانیان مدد جوید مرکز حکومت عربی اسلام، بغداد نیز این بار از مغولان مدد خواست، زیرا سلجوقیان بزرگ که با رأی و تدبیر همشهری نامدار فردوسی خواجه نظام‌الملک سلطنتی همچون شاهنشاهی ساسانیان بوجود آوردند، قدرت خلافت را محدود ساختند و در دوره جانشینی ایشان خلیفه با دربار خانان مغول ارتباط پنهانی فراهم ساخت و مغولان را دعوت کرد، نتیجه این دعوت خرابی و انهدام همه چیز در ایران بود و البته شاهنامه‌های مکتوب نیز جز عده‌ای معدود که در بیغوله‌ها یا در جنوب ایران نگهداری میشد سوخت و لگدمال شد و ما امروز هیچ شاهنامه‌ای که تاریخ کتابت عصر پیش از حمله مغول را نشان دهد در دست نداریم و قدیم‌ترین شاهنامه تاریخ‌دار که به موزه بریتانیا تعلق دارد در سال ۶۷۵ کتابت شده است، یعنی حدود شصت سال پس از حمله مغول، قدر مسلم اینست که در طی ترک‌تازیهای مغولان شاهنامه یا شاهنامه‌هایی محفوظ مانده بوده‌اند که این یکی یا شاهنامه‌هایی دیگر را از رویش بنویسند.

گفته شد که فردوسی دهقانی از طوس بود و در شاهنامه نیز خودوی چند جا از دهقانان دیگر که به‌وی درباره تاریخ باستان اطلاعاتی داده‌اند سخن بمیان می‌آورد، کریستن سن دانشمند ایرانیشناس دانمارکی در طی تحقیقات عالمانه خود بتفصیل دهقانان عصر ساسانی را معرفی می‌کند و دانشمند گرانقدر خودمان، استاد مینوی با اشاره به مطالعات کریستن سن و ژول مهل و کاترمر، دانشمندان پیشگام این رشته تحقیقی مینویسد: «در جامعه ایرانی (دهقانان) طبقه‌ای از مردمان ایران بوده‌اند صاحب مقام اجتماعی خاص طبقه نجبازادگان درجه دوم که قوت و قدرت ایشان باز بسته به این بوده‌است

که اداره محل خویش را ارثاً بهمه داشته باشند. از امور نظامی و لشکری دور بودند و تنها به دفاع از ولایتی که در آن مسکن داشتند مکلف بودند، و بدین سمت در حکم حلقه‌های لاینفک زنجیر دولت بودند.

اگرچه در حوادث عظیم تاریخی کمتر ظاهر میشوند، از آنجا که مبنی و اساس اداره و ترکیب دولت بودند به اندازه بزرگان که اعیان و اشراف درجه اول مملکت باشند قدر و اعتبار داشتند»^۱

نیازی نیست یادآوری شود که دهقانان ایران در قرنهای نخستین عصر اسلامی نیز همانند دوران ساسانی طبقه‌ای ممتاز بودند و کلمه ده بخش نخستین کلمه دهقان است مانند همتای سانسکریت خود (دش) بمعنای آبادی کوچک نبوده و سرزمین بزرگ را افاده میکرده است و دهیوگان یا دهقان رئیس‌ایالت و از نظر سیاسی حافظ کسانی بود که در قلمروش زندگی میکردند اما راهنما و مدرس تاریخی و اخلاقی و ادبی ایشان نیز بود و بیشتر آن کسان که هیئت مشاوران دربار سلطنتی ساسانیان را تشکیل میدادند از میان دهقانان برگزیده میشدند.^۲

سرچشمه اطلاعات فردوسی چه بوده است، درست نمیدانیم، علامه شهیر محمد قزوینی نخستین ایرانی بود که پس از دانشمند فقید سید حسن تقی‌زاده همانند دانشمندان فرنگی درباره شاهنامه تحقیق کرد و با یک بررسی علمی پرازش درباره مقدمه شاهنامه به بحث و فحص پرداخت و این مقاله را هر کس بخواهد میتواند در کتاب بیست مقاله قزوینی مطالعه کند و از نظر آن استاد فقید درباره منابع فردوسی در تنظیم شاهنامه مطلع شود.

مجموعه معروف خدای‌نامه که بزبان پهلوی بوده و به عربی و فارسی دری هم ترجمه شده بوده است، دست کم یکی از منابع فردوسی در تدوین شاهنامه بوده که متأسفانه امروز اثری از آن در دست نیست، این کتاب را عبدالله بن مقفع به عربی برگرداند. نام این کتاب در بسیاری از کتابهای کهن عربی و برخی از متون پهلوی از جمله بندهشن ذکر شده است.^۳ و ما میدانیم که پادشاهان ساسانی همانند هخامنشیان به وقایع باستان و تاریخ گذشتگان خود توجه داشتند و علاقمند بودند که اخبار و روایات مضبوط و محفوظ بماند. یزدگرد شهریاری آخرین پادشاه ساسانی فرمان داد که تاریخ شاهان کهن را از کیومرث تا خسرو پرویز تدوین و مصور سازند و در جا یا جاهای مطمئن نگهداری کنند، گفته شده است که پس از پیروزی سعد و قاص و غارت شدن کتابخانه یزدگرد این کتاب بدست گروهی حبشی که در سپاه اسلام خدمت

۱ - (سیمرغ ص ۸ و ص ۹).

۲ - ص ۲۱ مقاله بهرام گور انکلسار یا تحت عنوان فردوسی جاودان در یادنامه فردوسی.

۳ - ص ۲۳ بهرام گور انکلساریا، فردوسی جاودان.

میکردند افتاد و ایشان آنرا به پادشاه حبشه تقدیم کردند و فرمان وی شاهنامه را گرامی داشتند و ترجمه کردند و باین ترتیب این اثر در حبشه و هند شهرت یافت. در قرون نخستین عصر اسلامی یعقوب لیث صفاری نخستین سردار ایرانی بود که به خداینامه توجه کرد و فرمان داد که آنرا به پارسی برگردانند.^۱ اگر در سرگذشت شاهنامه فردوسی سال ۴۰۰ هجری قمری را که سال پایان شاهنامه است مهمترین تاریخ بحساب بیاوریم سال ۶۷۵ که تاریخ کتابت نسخه کهن موزه بریتانیاست دومین سال مهم در حیات شاهنامه خواهد بود، سپس میرسیم به سال ۸۳۴ که شاهنامه بایسنقری این شاهکار عظیم هنری ایران پایان رسید، این کتاب که به کتابخانه سلطنتی تعلق دارد بسال ۱۳۵۰ بمناسبت جشن بزرگ شاهنشاهی ایران به بهترین وجه به چاپ رسید و در سراسر جهان پخش شد.

چهارمین تاریخ مهم در سرگذشت این کتاب سال ۱۸۱۱ میلادی است، درین سال شاهنامه برای نخستین بار در کلکته بچاپ رسید. آغاز نهضت شرقشناسی جدید در هند را باید سالهای آخر قرن ۱۸ دانست که سر ویلیام جوتر دانشمند جوان انگلیسی به کلکته رسید و انجمن آسیائی بنگال را تأسیس کرد. کار اصلی این انجمن چاپ و انتشار اصل و ترجمه متون و اسناد بنیادی فرهنگ مشرق زمین بود، وی بسال ۱۷۷۴ در مجموعه ای بنام شرح ادبیات آسیائی قطعاتی از شاهنامه را نیز ترجمه کرد و بچاپ رساند و این نخستین قدم در راه چاپ شاهنامه فردوسی بود و متعاقب آن لامسدن با کمک چند ادیب هندی مسلمان چاپ شاهنامه را آغاز کرد، اگرچه بمناسبت مخالفت مدیران شرکت هند شرقی انگلیس فقط یک جلد از هشت جلد شاهنامه بچاپ رسید اما این خود آغازی بود برای چاپهای بعد و از آنسال تا ۱۳۵۰ که تاریخ آغاز تهیه و چاپ و انتشار شاهنامه بنیاد است کار معرفی و چاپ و انتشار و فحص و بحث و نقد درباره این اثر بزرگ همچنان ادامه دارد.

شاهنامه ای که در کلکته به چاپ رسید جمعا ۷۳۳ صفحه بود که بطریق چاپ منفصل (سربی) تهیه شد و حاوی یک مقدمه انگلیسی توسط خود لامسدن بود، یک خاتمه الطبع در ۳۹ صفحه که توسط همکار ایرانی لامسدن، منشی میرزا مهدی الله داد نوشته شده، متن شاهنامه در ۵۴۷ صفحه میباشد که آخرین عنوان آن گریختن افراسیاب از رستم است. در میان ۲۴ نسخه ای که مورد استفاده لامسدن و همکارانش بوده است دانشمند انگلیسی نسخه متعلق به سرجان ملکم را که در شیراز خریداری شده و تاریخ کتابت آن ۱۰۳۷ است از همه بهتر میداند، دومین نسخه مورد اعتماد وی که ضمناً قدیم ترین نسخ در میان آن نسخه ها نیز بوده است به نواب بابر جنگ مقیم مرشد آباد

۱ - این قول از مقدمه شاهنامه بایسنقری و ماکان است و بعقیده استاد مینوی استحکام تاریخی ندارد.

تعلق داشته و تاریخ کتابت آن ۸۲۱ بوده است، وی از دوشنبه پرازش دیگر نیز نام میبرد که متأسفانه پس از خاتمه طبع جلد اول بدستش رسیده بوده است.

کار پرازش لامسدن را ترنر مکان در کلکته دنبال کرد و سرانجام در ۱۸۲۹ همه شاهنامه را همانگونه که لامسدن میخواست و متنش را فراهم کرده بود بچاپ رساند و این نسخه است که در حقیقت مادر تمام نسخ چاپی شاهنامه محسوب میشود، تا آغاز کار برتلس درشوروی و چاپ نخستین متن انتقادی شاهنامه.

پنجمین تاریخ بزرگ در زندگی شاهنامه سال ۱۳۱۳ هجری خورشیدی است، در این سال بود که بفرمان رضاشاه کبیر نخستین کنگره جهانی فردوسی در ایران تشکیل شد و بنای پرشکوه آرامگاه وی درطوس گشایش یافت.

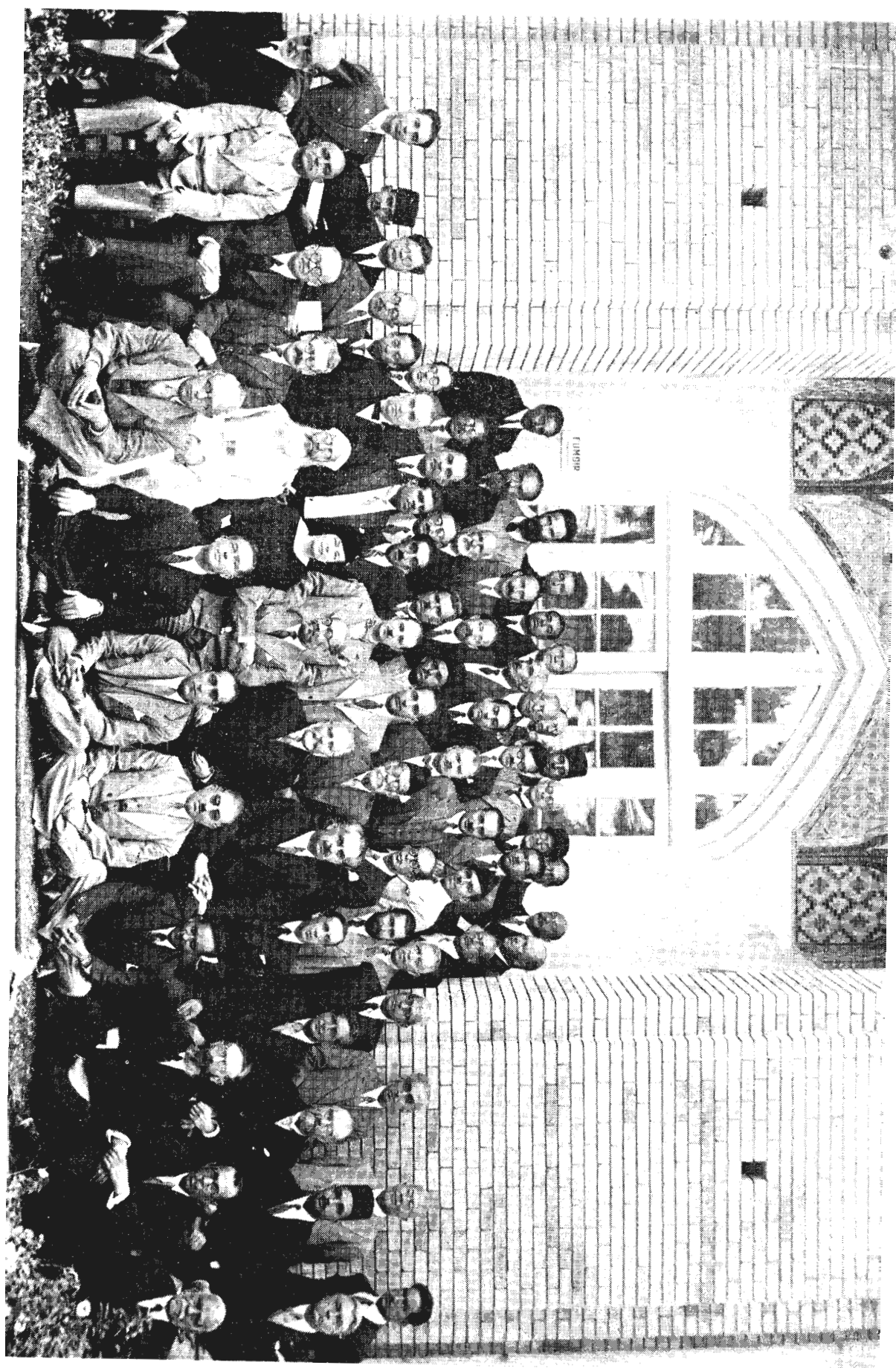
در آن کنگره که تنها مجمع فرهنگی جهانی عهد رضاشاه کبیر بود، برای نخستین بار دانشمندان بزرگ ایرانشناس از سراسر عالم به تهران آمدند و همگام با دانشمندان ایران از فردوسی و شاهنامه اش تجلیل کردند و در همین مجمع بود که استاد ریپکا دانشمند معروف چک چنین گفت:

« به عقیده من بزرگترین احترامی که مجمع ما میتواند به مقام فردوسی بگذارد این است که در همینجا تصمیم قاطع گرفته شود که يك چاپ انتقادی از متن شاهنامه فردوسی تهیه گردد، این را به خود شاعر بهدنبای شعر و جهان ایرانی و عالم علم مدیون هستیم، از فرصت استفاده می کنم و بار دیگر مراتب عدم رضایت جامعه فرهنگی ایرانشناس را از شاهنامه های مغلو ط فعلی اعلام می دارم »^۱

اگرچه آرزوی پروفیسور ریپکا یعنی تهیه يك چاپ انتقادی از شاهنامه در تهران، مقارن با تشکیل کنگره صورت عمل بخود نگرفت اما کار مهمی انجام شد و آن تهیه و انتشار شاهنامه ای بود که بنام طابع آن به شاهنامه بروخیم معروف شده است و استاد مینوی درباره آن می نویسد:

در تهران چاپی به پیشنهاد اینجانب شروع شد که کتابفروشی بروخیم نشر آن را به عهده گرفت و این دنباله کار فولتس بود جلد اول را بنده از روی چاپ فولتس شروع کردم ولی بجهت اینکه سفر به اروپا پیش آمد، دیگران سایر مجلدات را بهمان شیوه دنبال کردند و سپس قسمتی را هم که ناتمام مانده بود مرحوم سعید نفیسی از مقابله کردن دو چاپ کلکته

۱ - ص ۱۶۷ مقاله آقای فرزاد در مجموعه سخنرانیهای دومین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره شاهنامه، تهران ۱۳۵۰.



تصویر آقایان مستشرقین و فضایی ایرانی عضو کنفرانس فرودوسی

صف اول نشسته (ازچپ بر راست) : آقای سباستیان بک (آلمان) - آقای گوئنتر (آمریکا) - آقای آقاوخلو (آمریکا) - آقای صدیق اعلم رئیس دارالانشاء کنگره - آقای عباس اقبال - آقای هانری ماسه (فرانسه) - آقای ملک الشعراء بهار - آقای کمائی .

صف دوم نشسته (ازچپ بر راست) : آقای مؤتمن الملک - آقای وحیدالملک - آقای پرفور زاره (آلمان) - آقای کریستینسن (دانمارک) - آقای دستور انوشیروان (هندوستان) - مادام گدار - آقای فروغی رئیس الوزراء - آقای محشتم السلطنه اسفندیاری رئیس کنگره - آقای سفیر کبیر دولت شوروی - آقای پروفوسر برتلس (شوروی) - آقای حکیم الملک - آقای کنتو (فرانسه) - آقای عزام (مصر) - آقای درینگ واتر (شاعر انگلیسی) .

صف سوم ایستاده (ازچپ بر راست) : آقای رشید یاسمی - آقای رضوی (هند) - آقای بلنچی کف (شوروی) - آقای رهمنها - آقای آتوژی اشیکاگا (ژاپن) - آقای سردینس راس (انگلستان) - آقای نظام الدین (هندوستان) - آقای اعظمی زاده (ترکیه) - آقای دکتر شفق - آقای جمیل صدقی زهاوی (عراق) - آقای سعید نفیسی - آقای بدیع الزمان - آقای میرزایانس - آقای وحید دستگردی - آقای شجاع الموله دنیا - آقای دکتر ولی الله خان - آقای مینوی .

صف چهارم ایستاده (ازچپ بر راست) : آقای رحیم زاده صفوی - آقای اورنگ - آقای علی نیادیك (ترکیه) - آقای حسینی (هندوستان) - آقای محمد اسحق (هندوستان) - آقای رییکا (چکوسلوواکی) - آقای حکمت کیل وزارت جلیله معارف - آقای احمد حامد صراف (عراق) - آقای مایل توپسر کانی .

صف پنجم ایستاده (ازچپ بر راست) : آقای یهمنیار - آقای میرزا عبدالعظیم خان کرکائی - آقای فریمان (شوروی) - آقای نصر الله فلسفی - آقای پروفوسر مار - آقای مینورسکی (روس) - آقای همنائی - آقای هاکن (فرانسه) .

صف ششم (ازچپ بر راست) : آقای اونولا (پارسیان هند) - آقای اوربلی (شوروی) - آقای مسایر (فلسطین) - آقای روماسکوچ (شوروی) - آقای خلیلی - آقای قویم الدوله - آقای فرانسوا ملک کرم - آقای تنوی - آقای کسروی - آقای پیرام گور (پارسیان هند) .

صف آخر (ازچپ بر راست) : آقای جواهر الکلام - آقای کوپیل (آلمان) - آقای پاگیلارو (ایتالیا) - آقای عبدالمجید عبادی (مصر) .

(اصل عکس متعلق به استاد مجتبی مینوی است و شرح آن از روی فردوسی نامه نامه مهر، تهران سال ۱۳۱۳ رونویسی شده).

وپاریس فراهم آورد.^۱

دانشمندان اتحاد جماهیر شوروی برای نخستین بار در آخرین سالهای پیش از جنگ جهانی دوم لزوم تهیه یک متن انتقادی از شاهنامه را احساس و اعلام کردند^۲ اما با شروع جنگ این کار بزرگ به تعویق افتاد و سرانجام در سال ۱۹۵۰ به پیشنهاد پروفیسور ای. برتلس مجمعی از ایرانشناسان شوروی برای تهیه مقدمات این چاپ انتقادی تشکیل شد، این دانشمندان برای کار خود از چهار نسخه که یکی از آنها همان نسخه قدیمی موزه بریتانیاست استفاده کردند و سه نسخه دیگر نسخ متعلق به موزه‌ها و کتابخانه‌های خود اتحاد جماهیر شوروی بود، اما در چاپ دوم که بمناسبت جشن شاهنشاهی ایران در تهران تهیه شد از دو نسخه قدیمی دیگر نیز بهره‌جوئی کردند.

ششمین تاریخ مهم در زندگی پرحادثه شاهنامه یازدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۷ است که شاهنشاه آریامهر بنای جدید یادگاری فردوسی را در طوس گشودند و هنگام گشایش فرمودند: «بایدکاری کرد که مردم فردوسی و شاهنامه را بهتر و بیشتر بشناسند.»

وزارت فرهنگ و هنر که از دیرباز نیاز جامعه ایران و جهان ایرانشناس را به یک چاپ انتقادی شاهنامه و بهره‌برداری از این کتاب بزرگ و رسالت تاریخی آن حس کرده بود به تأسیس این بنیاد همت گماشت و تاکنون سه مجمع نیز از دانشمندان و صاحب‌نظران برای بحث و سخنرانی درباره شاهنامه ترتیب داده است.

۱ - سخنرانی استاد مینوی در هفته فردوسی دانشگاه مشهد و ص ۱۹۹ کتابشناسی ایرج افشار، تهران ۱۳۴۷.

۲ - فولرس از روی دو متن چاپی مکان و مول شاهنامه معروف خود را فراهم ساخت و در حقیقت نخستین متن انتقادی را وی ارائه کرد، متنی براساس دو متن چاپی معتبر.

پایه گذاری، هدف، روش کار و برنامه
بنیاد شاهنامه فردوسی

... . باردیگر بروان آفریننده بزرگترین حماسه ملی فارسی
و یکی از بزرگترین شاهکارهای ادب جهان درود می فرستیم و امیدواریم که
روح قهرمانی و مردانگی و حس میهن پرستی آمیخته با بشردوستی و جوانمردی
که از سطر سطر این حماسه جاودانی زبان پارسی می تراود الهام بخش افراد
نسل امروز ایران و نسلهای آینده این سرزمین باشد.*

* از پیام شاهنشاه آریامهر به نخستین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره شاهنامه.

پایه‌گذاری و هدف

در تابستان سال ۱۳۵۰ طرح ایجاد يك مؤسسه تحقیقی درباره شاهنامه مورد تصویب شاهنشاه قرار گرفت و این مؤسسه بنام بنیاد علمی و فرهنگی شاهنامه فردوسی مقارن با جشن بنیانگذاری شاهنشاهی ایران تشکیل شد، هیئت امناء بنیاد شاهنامه تحت ریاست جناب آقای پهلبد وزیر فرهنگ و هنر، از آقایان زیر تشکیل شد:

استاد مجتبی مینوی، دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر یحیی مهدوی، دکتر سید حسین نصر، دکتر عباس زریاب‌خوئی، دکتر محمد امین ریاحی و دکتر مهدی فروغ.

استاد مینوی با سوابق ممتد در کار کتابشناسی ایرانی و مطالعات ممتاز در تاریخ و ادبیات ایران پس از اسلام و شرکت در بیشتر کنگره‌ها و جلسات داخلی و خارجی مربوط به فرهنگ ایرانی که خود یکی از اعضای هیئت امناء شاهنامه هستند، برای رهبری و اداره این مرکز پژوهشی انتخاب شدند و کاری را که بیست و هفت سال پیش در چهارچوبی محدود آغاز کرده و موفق با تمام آن نشده بودند باردیگر همراه با يك گروه دستچین از محققان جوان آغاز کردند و بنیاد شاهنامه در عمارتی که در گوشه شمال شرقی مجلس شورای ملی قرار دارد، خانه گرفت.

در اساسنامه دوهدف اساسی بنیاد چنین ارائه شده است:

«فرهنگ و تمدن جدید اروپائی، همراه با دوحربه قوی و برنده خود، ماشین و وسایل ارتباط جمعی در عین حال که رفاه ملت‌ها را بیشتر و بهتر از گذشته تأمین می‌کند، سنتها و خصیصه‌های ملی و بومی ملت‌ها را درهم می‌شکند و درین تنگنا ملت‌های ضعیف و بدون گذشته روشن، خواهی نخواهی دچار عدم تعادل ملی می‌گردند و در اقیانوس تمدن اروپائی جذب و حل می‌شوند، اخذ و اقتباس این تمدن توسط همه ملل جهان امکان‌پذیر بوده و هست، اما مشکل اساسی ملل نوحاسته عصر ما نحوه اخذ و جذب این تمدن است، بدانگونه که باستقلال و تعادل ملی ایشان شکستی وارد نشود. ایران در پرتو انقلاب شاه و مردم در مدتی بس کوتاه و با سرعتی چشم‌گیر و خیره‌کننده

توانسته است که قرن‌ها عقب‌افتادگی را در طی سالی چند جبران کند و خود را بپایه ملت‌های بزرگ و پیشرفته اروپا و آمریکا برساند. در اینجا، برای ما نیز مشکل حفظ تعادل ملی مانند همه ملت‌های اروپائی مطرح است، رهبر انقلاب ایران همیشه این مطلب را در نظر داشته‌اند که فقط اخذ تکنولوژی جدید برای پیشرفت کافی نیست، این اخذ هنگامی اثر بخش و مفید خواهد بود که با رعایت موازین و ضوابط بومی مملکتی توأم باشد و هیچ عاملی جز گذشته پرافتخار و میراث فرهنگی غنی نمیتواند ملت‌ها را از سقوط معنوی و اسارت بین‌المللی تکنولوژی جدید در امان نگه‌دارد.

شاهنامه فردوسی، شانسنامه ملت ایران و سند افتخار ماست، اثری است که هزار سال پیش خلق شده و گذشته از آن که راه‌گشای ما، بسوی گذشته‌های دور و پرافتخار است، خود در طی این هزار سال، بطور مستقیم و غیرمستقیم، در فرهنگ اسلامی ایران اثرگذار و اثرپذیر بوده است و ما شاهنامه را اینچنین که امروز هست گرامی میداریم و بعنوان بزرگترین عامل ایجاد تعادل ملی به بررسی آن می‌پردازیم.

هدف اساسی بنیاد شاهنامه فردوسی آنست که این اثر گرانقدر را که بدون تردید یکی از بزرگترین آثار حماسی و ادبی جهان در سراسر اعصار و قرون است، از جهات گوناگون بررسی و از آن برای رهبری و ارشاد نسل جوان بهره‌برداری کند.

شاهنامه با هیچیک از آثار ادبی ایران قابل قیاس نیست، پا فراتر می‌گذاریم و می‌گوئیم که حتی شاهنامه را با هیچیک از حماسه‌های ملل جهان نیز نمیتوان مقایسه کرد، این اثر فقط تاریخ گذشته ما نیست این يك شاهکار ادبی است که از لحاظ کلمات، اصطلاحات اصیل زبانهای ایرانی بخصوص فارسی کنونی، بسیار غنی است، شاهنامه گنجینه‌ای است مملو از مطالب گوناگون درباره اجتماع و هنر ایران و یادگاری از نیاکان ماست که بیش از هراتر دیگر مورد بحث و فحص و توجه قرار گرفته است.

بنابراین هدف دیگر بنیاد شاهنامه فردوسی بررسی ادبی، تاریخی، اجتماعی و هنری این شاهکار جاودان ادب ایرانی و تهیید يك متن انتقادی اصیل و مطلوب از آن است.

اما در جوار این هدفهای اساسی میتوان از تحقق هدفهای فرعی دیگر نیز یاد کرد که اهم آن پرورش گروهی محقق است درین مؤسسه علمی فرهنگی، استاد مینوی در مقاله‌ای که در شماره نخست فصلنامه سیمرغ درج شده از کمبود محقق در ایران سخن گفته می‌نویسد:

جای تأسف است که در دانشگاههای ما استادانی که باین رشته توجه کرده باشند، شاگردانی تربیت کرده باشند و آنها را در امر تحقیق و تصحیح متون کار آموخته و کار آزموده و کار کشته کرده باشند کم بوده‌اند یا هیچ

نبوده‌اند، هر کسی هر چه یاد گرفته است به سائقه ذوق و شوق خودش بوده است. امروز باید بفکر این نقص بیفتیم و متوجه شویم که محقق و متتبع هم همان قدر لازم است که دانشیار و استاد لازم است. . . . جمعی باید تربیت بشوند که هیچ کاری جز تحقیق و تتبع نکنند و حقوق و مقام و رتبه و احترام ایشان به همان اندازه باشد که برای عالیترین تحصیل کرده‌ها و تربیت شده‌ها و فرهنگ‌یافته‌های کشور قائل شده‌ایم.^۱

سپس اشاره بکاری که در بخش تحقیق شاهنامه آغاز شده است می‌کنند و می‌نویسند که در بنیاد شاهنامه فردوسی، در این خانه فردوسی، وزارت فرهنگ و هنر علاوه بر اینکه چند نفر از آشنایان به فن تحقیق و تتبع را به کار گماشته است عده‌ای از جوانان را هم که ضمناً کارهای دیگری هم دارند گرد آورده است و می‌کوشد که اینها را از مراحل مختلفی که مستلزم یاد گرفتن شیوه تتبع و تحقیق است بگذراند و به رتبه محقق و متتبع و مصحح متن برساند.^۲

روش کار و برنامه

پیش از اینکه بروش کار استاد مینوی در تصحیح و تنقیح متن شاهنامه پیردازیم ببینیم روش کار مولوی میرزا مهدی ال‌داد و لم‌سند در کار نخستین چاپ شاهنامه چه بوده است، مولوی مزبور در خانه الطبع که در حقیقت مقدمه فارسی شاهنامه است پس از شکایت بسیار از نسخ مغلوط شاهنامه‌های مکتوب می‌نویسد:

شاهد صادق برین مقال ملاحظه حال اکثر نسخ کتب‌خانه امرا و سلاطین است که وصف عنوانی آنهاست:

نسخه معتبر و خوش خط و بسیار غلط. الغرض چون در این بحر اختلاف افتادیم نقصی از آن جز این ندیدیم که در بعضی جا بشارات لغت قدیم و مراعات مناسبت معنوی یکی را بردگیری ترجیح دادیم و در بعضی مقام که با وجود کثرت اختلاف باعتبار افاده همگی نسخه متساوی‌الاقدام بودند کثرت اتفاق نسخه را بکار بردیم و در بعضی جا مراعات مناسبت اسلوب و طراز کلام مصنف را پیش نموده نسخه دیگر را با اینکه بکثرت بود ترك نمودیم و هم‌چنین در بجا داشتن و ترك کردن بعضی اشعار چنین طریق برگزیدیم که اگر شعری فصیح و بلیغ و درخور مقام و مشابه بکلام مصنف

یافتیم اگرچه در يك نسخه بوده بحال داشتیم و اگر شعری غیرچسبان و سست مضمون که اصلاً به کلامش نمی‌مانست و با اینهمه بجز يك نسخه در دیگر نبوده آنرا ترك نمودیم مگر آنکه چنین شعر در نسخه متعدده یافتیم غیراز بحال داشتش چاره‌ای ندیدیم چه امانت و دیانت در چنین مقام رخصتم نمیداد که کلام دیگری را کلام خود پنداشته بدون وجهی در روابط و صلوات تغییر و تبدیل کنیم چه جای این که در جملات و مصاریع و ابیات تصرفی بکار بریم ای کاش نفس‌امازة بی‌پروای غیرمبالی را محکوم بودمی و خوف خرد امین اصلاً در دل نیاوردمی تا تمام کتاب را بجرأت تمام در اندک روزگار طریق شتر بی‌مهار پیموده درست کردمی»^۱.

کاری که این چند نفر در یکصد و شصت سال پیش بانجام رساندند قابل تقدیر است و فراموش نکنیم که در آن زمان کار چاپ حرفه‌ای اختصاصی و نوپا بود و تصحیح متنی بر پایه ۲۰ تا ۲۷ نسخه که عده ابیاتشان میان ۳۹۸۵۱ تا ۵۹۲۶۰ بیت بود کاری بس دشوار و عظیم شمرده میشد که باهمت این پیشگامان بمرحله عمل رسید.

حال ببینیم روش کار محققان شوروی چه بوده است، گفتیم که در سال ۱۹۵۰ در شوروی مجمعی بریاست پروفیسور برتلس دانشمند شاهنامه‌شناس کار تهیه و چاپ يك متن انتقادی را برعهده گرفت. این گروه علاوه بر نسخه مورخ ۶۷۵ موزه بریتانیا، نسخه کتابخانه عمومی لنینگراد مورخ ۷۳۳ و نسخه انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی مورخ ۸۴۹ و نسخه انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی با احتمال مورخ ۸۵۰ و ترجمه شاهنامه توسط بنداری را در اختیار داشت، پروفیسور برتلس در مقدمه چاپ اول درباره روش تحقیق خود می‌نویسد:

«هیچیک از نسخ مورد استفاده نمی‌توانست پایه متن انتقادی حاضر قرار گیرد بدینجهت برای ترتیب دهندگان متن لازم می‌آمد که متن اصلی را پس از مقایسه دقیق کلیه نسخه‌های مورد استفاده و با در نظر گرفتن دقیق کلیه اختلافات و تفاوت‌های آنها انتخاب نموده و تفاوت‌ها را در پاورقی قید نمایند تا محققینی که بعد درباره متن شاهنامه تتبع می‌نمایند امکان داشته باشند کلیه جزئیات کارها را مورد بررسی قرار دهند، محك و معیار شیوه بیان و سبك و زبان شاهنامه در کار ترتیب دادن این متن با کمال احتیاط بکار برده شده است زیرا مسئله اینست که ما متن اصلی شاهنامه را در دست نداریم، فقط کوشش می‌کنیم تا هر قدر ممکن است بدان نزدیک‌تر شویم.^۲ اما خیلی زود دانشمندان شوروی متوجه این نکته شدند که این انتخاب کاری است بسیار دقیق و پرمسئولیت لذا در چاپ دوم کتاب که

۱ - شاهنامه چاپ کلکته، لامسن، ص ۵ و ۶.

۲ - شاهنامه چاپ مسکو، جلد اول ص ۷.

در تهران صورت‌گرفت روش کار خود را تغییر دادند و نسخه موزه بریتانیا را بعنوان اصل انتخاب کردند و متوجه شدند که بهتر است هیچگونه ذوق و سلیقه شخصی را برای تشخیص متن اصلی ملاک قرار ندهند، علاوه بر آن چند نسخه خطی مهم دیگر را نیز که در خارج از قلمرو شوروی نگهداری میشوند به نسخ قبلی خود علاوه کردند باین نحو در چاپ دوم هفت نسخه زیر را همراه با ترجمه عربی آن توسط بنداری پاینده کار خود قرار دادند نسخه موزه بریتانیا مورخ ۶۷۵، نسخه دارالکتب قاهره مکتوب در ۷۱۰، نسخه خطی اسلامبول مورخ ۷۳۱ نسخه لنینگراد مکتوب در سال ۷۳۳ و نسخه دوم قاهره مورخ ۷۸۹ و دو نسخه متعلق به فرهنگستان علوم شوروی مورخ ۸۴۹ و نیمه اول قرن نهم.

استاد مینوی درباره این چاپ میگویند :

شما دیده‌اید که محققینی متعلق بدولت جماهیر شوروی سی سال

استاد مجتبی مینوی



زحمت کشیده‌اند و يك شاهنامه از روی نسخه‌های خطی قدیم تهیه و آماده کرده‌اند و در نه جلد به چاپ رسانده‌اند که مجموع ابیات آن ۴۸۶۱۷ (باضافه ۱۴۸۶ بیت الحاقی) است.

ما امیدوار بودیم که این چاپ انتقادی که از مقابله شش هفت نسخه قدیم تهیه شده است ما را از این مستغنی کند که چاپ تازه‌ای از شاهنامه بیرون دهیم ولی در عمل دیدیم که این شاهنامه را هم نمیتوان نزدیک به آنچه فردوسی ساخته است دانست یعنی این چاپ هم از غل و غش پاکیزه نیست^۱.

حال میپردازیم بروش کار در بنیاد شاهنامه فردوسی :
استاد مینوی نسخه‌های مورد اعتماد و اساسی خود را این چنین معرفی میکنند :

نسخه اول موزه بریتانیا مورخ ۶۷۵، نسخه قاهره که تاریخ کتابت آن ۷۴۱ است، نسخه محفوظ در موزه طوب قاپوسرای ترکیه مورخ ۷۳۱، شاهنامه مرقوم در حاشیه ظفرنامه حمدالله مستوفی که در ۸۰۷ نوشته شده است، نسخه دوم قاهره مورخ ۷۹۶، نسخه متعلق به موزه ملی هند در دهلی نو که تاریخ آن ۸۳۱ است، نسخه لنینگراد مورخ ۷۳۳، نسخه دوم موزه بریتانیا مورخ ۸۴۱ که اساس کار ژول مهل بوده است، نسخه مجلس سنا که ناقص است و در اوایل قرن نهم نوشته شده است^۲.

استاد در سخنرانی خود در هفته فردوسی دانشگاه فردوسی مشهد بتفصیل درباره این نسخه‌ها و این نکته که اقدم نسخ اهم نسخ نیست بحث و بخصوص آخرین نسخه را که تاریخ کتابتش ۸۴۱ است بیشتر معرفی کرده‌اند و سپس بعنوان الگوی کار و روش تنقید و انتخاب مینویسند :

اگر فصلی در همه این نسخه‌ها نباشد مسلم است که از فردوسی نیست و تا ۸۳۱ به فردوسی منسوب هم نبوده است ولی اگر فصلی در بعضی دیگر نباشد یا «بیتی مثلاً» در هشت تا نباشد و در یکی باشد یا لفظی در نسخه‌های مختلف به صورتهای گوناگون نوشته شده باشد وقتی که این نسخ را با هم مقابله کنیم همه اختلافهای نسخ را قید میکنیم و در باب اینکه کدام بیت‌ها باید در متن گذاشته شود و به فردوسی نسبت داده شود و بر چه صورت چاپ شود استشاره و مصلحت‌جوئی میکنیم و دلیل و برهان عقلی و نقلی بکار میبریم، تمام ابیاتی را هم که در این نسخه‌های قدیم می‌یابیم اگر در متن نگذاریم در حاشیه نگاه میداریم و اگر در صحت انتساب آن بفردوسی شک داشته باشیم آن شاک خود را اظهار میکنیم، دست و دل ما می‌لرزد که مبدا يك کلمه از کلمات فوت شود و چیزی از گفته فردوسی یا از الفاظی که ممکنست به روشن کردن مشکلی کمک کند از میان برود.

۱- نقل از سخنرانی استاد مینوی در هفته فردوسی در دانشگاه فردوسی مشهد.

۲- رستم و سهراب ص ۲۲.

سپس بآن کسان که از ذوق سخن میگویند اشاره کرده مینویسند :
چگونه میتوان به ذوق متکی بود، ذوق کی؟ ذوق همه ایرانیان؟
که امری است محال، و پس از مقایسه برخی نسخ که بروش ذوقی و غیر تحقیقی
فراهم شده میگویند :

راه صحیح اینست که به نسخه‌های قدیم و معتبر رجوع کنیم و آنها
را با هم بسنجیم و با متنهای دیگر فارسی که از قرون قدیم بما رسیده است
مقایسه کنیم و سعی کنیم که مشکل را حل کنیم و بدلیل و برهان (نه ذوق)
ثابت کنیم که صحیح فلان طور است. آنگاه پس از بحث درباره روش تحقیق
که ما باید آنرا دقیقاً از محققان خارجی اکتساب کنیم مینویسند :
در بنیاد شاهنامه فردوسی ما کار باین نداریم که عده ابیات نسخه‌ها
چندتا خواهد بود، ۴۸ هزار یا ۶۵ هزار از برای ما مهم نیست، مهم اینست
که آنچه چاپ میکنیم تاحد امکان همان طوری باشد یا نزدیک بآن صورتی
باشد که فردوسی نوشته بوده است و مشکلات لفظی و معنوی آن ابیات را هم
رفع کنیم بیت‌هایی را که میتوانیم الحاقی بودن آنها را ثابت کنیم از متن
خارج کنیم یا اقلاً به‌نشانی ممتاز سازیم و همه ابیاتی را که از فردوسی
میدانیم در نسخه خود بیاوریم، همه اختلافات موجود بین نه نسخه‌ئی را
که تاریخ آنها پیش‌ازین داده شد قید کنیم و چاپ کنیم.
و در پایان سخن مطلبی را ارائه میکنند که بسیاری از شایعات
درباره تأسیس بنیاد و کار اساسی آنرا باطل میسازد :

بهیچوجه در صدد این نیستیم که چاپهای سابق را منسوخ کنیم
این همه چاپ که در هندوستان و ایران و اروپا شده است همه در دست
مردم میماند نمیخواهیم آنها را بسوزانیم شما هر يك از آنها را که میپسندید
بگیرید و بخوانید یا دستور بدهید تجدید چاپ کنند، چاپ بایسنقری هست،
چاپ امیربهادری هست، چاپ میرزا محمد مهدی ارباب اصفهانی هست،
چاپ بروخیم و محمد رمضانی و دبیرسیاقی و امیرکبیر هست و هر کس هم
که بخواد میتواند يك چاپ دیگر به وزن هفده من بکند که با جرائع
جایجا بکنند، منتخباتی هم از شاهنامه کرده‌اند مثل خلاصه شاهنامه و منتخب
شاهنامه هر دو کار مرحوم محمدعلی فروغی.

يك چاپ شاهنامه هم بناست به دست ما درست شود و به موجب پیشنهاد
وزارت فرهنگ و هنر اراده سنییه همایونی بر آن قرار گرفته است که بنیاد
شاهنامه این کار را انجام دهد^۱.

چاپ و انتشار رستم و سهراب که نخستین کار و آنهم کار آزمایشی
بنیاد بود در آبان ماه ۱۳۵۲ صورت پذیر شد، این کتاب برخلاف تصور عده‌ای
که میگویند بنیاد قصد دارد شاهنامه را کوتاه و مختصر کند دارای این

۱ - از سخنرانی استاد مینوی در دانشگاه فردوسی مشهد.

خصوصیات است :

«متن این داستان مبتنی بر نسخهٔ بم است (موزهٔ بریتانیا مورخ ۶۷۵) که دارای ۱۰۵۱ بیت است يك بیت را حذف کردیم و سه بیت در قلاب از روی نسخه‌های دیگر بر آن افزودیم زیرا که معنی اقتضا میکرد که این ابیات اضافه شود، ازین ۱۰۵۳ بیت ۲۵ بیت را الحاقی می‌شماریم که آنها را به‌علامت ستاره ممتاز کردیم باقی میماند ۱۰۲۸ بیت که با اندك اطمینانی میتوان آنها را از فردوسی دانست والله اعلم.»^۱

با انتشار رستم و سهراب گروهی از دانشمندان و نویسندگان بازبان و قلم به‌نکته‌بینی و انتقاد ازین بخش شاهنامه پرداختند و این درست همان بود که استاد در مقدمه خود بر رستم و سهراب خواسته بودند : بالفعل این داستان رستم و سهراب را بدین‌صورت که حاضر و آماده کرده‌ایم به چاپ رسانیده و منتشر ساختیم تا اهل تحقیق و مردان ادب آنرا از مدنظر بگذرانند و رأی خویشی را در باب متن تهیه شده و نقادی که در آن کرده‌ایم و توضیحاتی که برای روشن‌شدن معانی ابیات و کلمات لازم شناخته و نوشته‌ایم اعلام نمایند تا ممد کارهای آیندهٔ ما بشود.^۲

استاد در باب این انتقادهای که برخی با شتاب‌زدگی همراه بود چنین

نظر دادند :

نمونه‌ای از کار ما داستان رستم و سهراب بود که در اواخر سال گذشته منتشر گردید و دیده‌اید که در تهیهٔ آن چه شیوه‌ای پیش گرفتیم و بعضی از اهل ادب انتقادهائی هم در باب آن منتشر کردند، خوبست قدری صبر و حوصله داشته‌باشید این نمونه‌ای را که از کار ما درآمده است با آخرین چاپی که بدست شما داده‌اند بسنجید، بعد در باب آن اظهار عقیده کنید^۳ :

این مطلب انسان را بی‌اختیار به یاد قطعه شعری می‌اندازد که مصححان نخستین چاپ شاهنامه در خاتمه الطبع کتاب آورده‌اند و ما نیز بعنوان پایان دلپذیر این بخش آنرا نقل میکنیم :

..... پس اگر چنین بزرگان زبان مطاعن بر ما گرفتاران
بگشایند که چنین کار آسان و چندین امتداد زمان و این چه بطالت است
و این چه کسالت باشد که معذوراند و حق بجانب خود دارند و لله دَرَمَن حكا
علیه‌الرحمة من الله تعالى.

۱ و ۲ - رستم و سهراب، چاپ بنیاد ص ۲۲ .

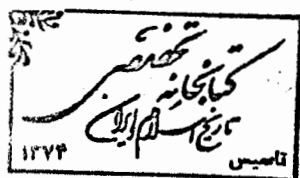
۳ - از سخنرانی استاد مینوی در دانشگاه فردوسی

حکایت شهری با روستایی که وی را بیاغ خود برد

شهری شد ز ره شهر بده دید ز ابنای دهش دهقانی باغی آراسته چون باغ بهشت میوه‌ها تازه و تر شاخ به شاخ سیب و امرود بهم مشت زده نار پستان صنمی شاخ انار شهری القصه چو آن باغ بدید می نکرد از پس‌وازیش نگاه هم‌چو بادی که ز دشت آید سخت کندی آن سان ز درختی سیبی به سوی نار چو دست آوردی ور یکی خوشه ز تاک افکندی بی‌خودیهاش چو دهقان میدید شهریش گفت زمن این تگ‌وپوی گفت من با تو چه گویم آخر نه یکی دانه به گل کاشته‌ئی نه زمینی ز تو آراسته گشت نه شد از ییل گفت آبله‌دار آبیاریت شبی خواب نبرد در دلت نیست جز این اندیشه کی ز رنجم آگه دل تو رنج هم‌درد که داند ؟ هم‌درد	تا گشاید ز دلش گشت گره بردش از راه سوی بستانی بل کز آراستگی داغ بهشت روزی از باغ روان کرد فراخ فندق از خرمن انگشت زده سرکش از بوسه و آبی ز کنار گاو نفسش بچراگاه رسید هم‌چو گرگی که فتد در رمه‌گاه میوه با شاخ شکستی ز درخت که رساندی بدرخت آسیبی حلقه لعل شکست آوردی تاک را پایه بخت افکندی بر خود از غصه آن میپیچید گر نه بر وفق مرادست بگوی ز تو انصاف چه جویم آخر نه نهالی ز گل افراشته‌ئی نه درختی ز تو پیراسته گشت نه شدی غرق بخون آبله‌وار راحت خواب ترا آب نبرد کین بخود رسته چو کوه و بیشه نیست جز بی‌خبری حاصل تو شرح آن هست به‌بی‌دردان سردا
--	--

شاهنشاه درمردادماه ۱۳۵۰ اجازه فرمودند که بنیاد شاهنامه تأسیس شود.

هدف نهائی اینست که با استفاده از مطالب و نکات تازه‌ای که مورد گفتگو و تجزیه و تحلیل علمی و دقیق قرار می‌گیرد پس از مقایسه و تلفیق آنها با متون نسخه‌های قدیم و خطی موجود متن کامل و جامعی از این یادگار بزرگ ملی تهیه و منتشر شود. نظر به اهمیت موضوع و نتایج حاصله از کوششهایی که در این راه بکار می‌رود با کسب اجازه از پیشگاه مبارک شاهانه ایجاد مؤسسه‌ای تحقیقی درباره شاهنامه فردوسی طرح‌ریزی شده و مقدمات امر نیز بسرپرستی استاد مجتبی مینوی و مهدی فروغ و همکاری گروهی از علاقمندان ذیصلاح فراهم گردیده است *



* نقل از گزارش جناب آقای مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ و هنر به پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر .

کارهای انجام شده

در بخش دوم این کتابچه کم‌وبیش دربارهٔ روش کار که محتوی کارهای انجام شده نیز بود سخن گفتیم و اکنون در این گفتار باختصار کارهای انجام شده توسط بنیاد را یادآوری میکنیم، اما قبلاً تذکراتی نکته ضرورت دارد که بنیاد شاهنامه کار تحقیقی دامنه‌داری را آغاز کرده است و در سالهای نخستین خود بیشتر کوشش داشته است که بکارهای اساسی و بنیادی پردازد و امیدواریم که در سالهای آینده ثمرات گرانقدر این کوششها را به ملت ایران ارائه کنیم، فی‌المثل یکی از کارهای مهم بنیاد در طی این سه سال آماده ساختن گروهی محقق ورزیده جوان است و البته این کار یعنی آماده کردن این گروه خود نیاز بوقت و کوشش و حوصله فراوان داشته است.

در اردیبهشت سال ۱۳۴۷ شاهنشاه آریامهر هنگام گشایش بنای یادگاری فردوسی در طوس، لزوم تجلیل بیشتر از فردوسی و استفاده ملی از اثر جاودانی طبع وی شاهنامه را بجناب آقای پهلبد توصیه فرمودند از آن زمان وزارت فرهنگ و هنر مطالعه دامنه‌دار خود را دربارهٔ نحوهٔ شروع کار آغاز کرد و سرانجام برای سرپرستی و رهبری گروه علمی که در بنیاد شاهنامه میباید بکار تحقیق پردازند از استاد مجتبی مینوی دعوت بکار کرد ایشان در پاسخ این دعوت در تاریخ ششم مهرماه ۱۳۴۸ مینویسد :

«اگر وزارت جلیلهٔ فرهنگ و هنر بخواهند بودجهٔ مرتب و عکسهای نسخ خطی شاهنامه و همکاران مستعد و کارمندان مورد احتیاج و لوازم کار به‌بند بدهند و پشتیبانی و حسن‌نیت دستگاههای فرهنگی یار بنده باشد مدت شش هفت سالی در تهیهٔ متن صحیح و معتبری از شاهنامه و چاپ و انتشار آن اهتمام خواهیم کرد. این کار بنظر بنده بر هر نوع تجلیلی که از فردوسی بخواهیم بعمل بیاوریم رجحان دارد ما نباید باین انتظار بنشینیم که درممالک دیگر برای ما شاهنامه تهیه کنند و باین خوش باشیم که در پایتخت کشور خیابانی و میدانی بنام فردوسی داریم. در سه سال پیش موضوع تهیهٔ متن شاهنامه را بعرض جناب‌عالی رسانیدم و مکرر توسط اشخاص مختلف تأکید و تأیید شده است. از بنده این کار برمیآید و نمیدانم چند سال دیگر زنده‌ام هرچه زودتر شروع کنم امید به آنکه آنرا بیایان برسانم بیشتر است.»

باتصویب شاهنشاه آریامهر بنیاد علمی و فرهنگی شاهنامهٔ فردوسی در نیمهٔ سال ۱۳۵۰ در ساختمانی که به مجلس شورای ملی تعلق دارد تشکیل شد، استاد مینوی نخستین گزارش خود را در ۱۰ آبان ماه به وزارت فرهنگ و هنر تقدیم کردند چون این گزارش حاوی مطالب جالبی دربارهٔ شاهنامه است عین آنرا در این کتابچه نقل میکنیم :

در ارباب محترم و بزرگوار

در تعقیب عرائض سابقه راجع به نسخه نهم شاهنامه و طبع آن با کفایت و کمال
می باشد : شاهنامه دو بار تحریر کامل شده به استیلا یک بار در ۳۸۴ و
بار دیگر بر اثر سلطان محمود در ۴۰۰ هجری در نسخه دانی از شاهنامه که بدست ما
رسیده است مندرجات هر دو تحریر بهم مخلوط شده است و هیچ نسخه ای نیست که فقط از
تحریر اول نقل شده باشد : و اکنون هیچ نسخه ای از شاهنامه هم نیست که به هر دو تحریر
به استیلا کتاب به امانت قرار متوالی تغییر و تبدیلی و تحریف در آن راه نیافته باشد
همه الله مستوفی فردوسی مندرج و جغرافیدان قرن نهم هجری که تحریر از شاهنامه
فراهم آورده است و ذیل در ۵۵ هزار بیت بنام ظفر نامه بر آن نوشته می گوید
"نسخه نهم شاهنامه من دیدم پیش از پناه هزار بیت نداشت" و چون فردوسی
گفته است که شاهنامه دارای شصت هزار بیت است من شش سال صرف وقت کرده
نسخه از مختلف راجع آور کرده و زحمت کشیده و از مجموع آنها ده هزار بیت فراهم کرده که
من شاهنامه از روزم تا شصت هزار بیت کامل شود : "وقتی که عالم و موزن میل
همه الله مستوفی مرتکب چنین خطائی نبود از دیگران چه توقع می توان داشت
بر ما واجب است که همتی کنیم و عهده از فضلا و محققین شعر شناس و

آستان به اصول و قواعد تصحیح کتب خرد سالی اهتمام و صرف وقت نماند و لا اقل از در هر سال
 مدارکی که داریم نسخه شاهانه را تهیه کنیم که بعد از امکان نزدیک به نیمه ارباب باشد که فردوسی نوشته
 بوده است و مخصوصاً ابیات زانند الحاقی را از آن دور کنند و بطبع برسانند. فضلی
 محاکم جمهور بر سیاحتی شوروی بیش از ۳۵ سال وقت صرف کردند و بیشتر از معادل
 بیست میلیون دلار خرج کردند و شاهنامه ما را در ۹ جلد چاپ منتشر کردند. شرق
 شناسان متعدد در این باب کار کرده اند و ترجمه شاهنامه را تمام و کمال به فرانسه و
 انگلیسی و ایتالیایی و روسی و آلمانی و ترکی منتشر ساخته اند. مانیت به این میراث
 بزرگ قومی و ملی خود نباید که از بیگانگان غلبه دهند بایستیم.
 اکنون که وزارت فرهنگ و هنر مصمم شده اند این کار را بمباشرت و نظارت این بنده
 انجام دهند باید تا نگوییم که تهیه یک متن صحیح شاهنامه برای ما ایرانیان در دهه گذشته از ۸
 سال امکان پذیر نیست و شاید بیش از این هم مدت ببرد. در دهه اول فقط به تهیه
 نسخ و مقابله آنها با یکدیگر و تهیه متن باید پردازیم و چیزی نشر نکنیم. در سال سوم تصحیح
 متن را باید ادامه دهیم و شاید یک دو جزوه هم از متن کتاب چاپ کنیم. در سال
 چهارم نیز تصحیح متن ادامه خواهد یافت و باز مقداری از آن چاپ خواهد شد. در
 سال پنجم شاید بتوانیم تصحیح متن را به اتمام برسانیم و از آن پس هر ساله مقداری که

در این دانش خواهیم کرد. برابر خواستگان غیر متخصص مثل عامه مردم و شاگردان مدارس
چهارمائی با توضیحات و معانی لغات و لغت ارزاتر لازم است منتشر کنیم که اینها را
از حال ششم بعد مورد اهتمام قرار خواهیم داد.

چنانکه عرض شده است نوشته تاسعین شماره حتی آنست که دائمی باشد و برای
همه و قبیله کهنه گان و پیر و مشکوران به آن ملحق شوند و در تحقیق منزهات آن و
معانی آن با داستانها ملحق و تعدادی متن آن در نوشتن فرهنگ لغات آن
چنان کار کنیم و حتی سایر منظومه های فارسی را نیز که متعلق به فردوسی ساخته اند
از گوشه های بزرگ و بزرگ نامه و فرامرز نامه و غیره را نیز به ترتیب مورد توجه قرار دهیم
و قرار داده منتشر نماییم.

این چند کار را در راه عدالت به زبان فارسی و به سوار کردن اساطیر ایران
و امید لازم است در هر چه خرج لازم آن شود. کلمه شده است. با تقدیم احترامات
به تاریخ دهم آبان ماه ۱۳۵۵ بمجلس شورای

یادداشتی از کارهای انجام شده در این مؤسسه

✱ تهیه نخستین نسخه‌های عکسی شاهنامه: نسخه قاهره و نسخه لنینگراد.

✱ تحویل گرفتن ۱۲۰ جلد کتاب از کتابخانه فردوسی (در کتابخانه ملی) که پایه و اساس کتابخانه فنی بنیاد شد.

✱ تدارک نسخ عکسی موزه بریتانیا، ترکیه و نسخه قدیم قاهره.

✱ مسافرت استاد مینوی به مصر و انگلستان و آلمان برای بررسی

کتابخانه‌ها و موزدهای مهم و مشاهده نسخه‌های اساسی. در مورد نسخ اسلامبول باید یادآوری شود که استاد در طی اقامت ممتد خود در ترکیه بعنوان رایزن فرهنگی درباره نسخ خطی فارسی موجود در این کشور اطلاعات بسیار عمیق و کافی داشتند و نیازی نبود که بآن کشور سفر کنند.

✱ در نیمه سال ۱۳۵۰ استاد مینوی همراه با: دکتر زریاب خوئی، دکتر شفیع کدکنی، علی رواقی، محمد روشن، محمد سرور مولائی و مهدی قریب کار اساسی تهیه متن انتقادی شاهنامه را که باید این مراحل را، پیماید آغاز کردند:

۱- بازنویسی نسخه اساسی (نسخه اول موزه بریتانیا که اقدم نسخ است).

۲- بازخوانی بازنوشته نسخه اساسی با اصل نسخه.

۳- مقابله یک یک نسخ مورد نظر با نسخه اصل (بازنوشته) و بازخوانی.

۴- بررسی نهائی، مقابله و تطبیق با نسخه‌های اصلی.

۵- تلفیق مقابله نسخه‌ها و تهیه نتیجه نهائی مقابله‌ها.

۶- بازخوانی مجدد و مقابله با نسخه‌ها.

۷- بررسی مقابله‌ها با نسخه اساسی.

۸- اظهار نظر پژوهشگر درباره متن آماده شده، با حضور استاد

مینوی و یکی از پژوهشگران مقدم (آقای علی رواقی).



اعضای جلسه نهائی بررسی متن و نویسنده این کتابچه
از چپ براست نشسته : استاد مینوی، دکتر زریاب و دکتر شهیدی
ایستاده : دکتر رواقی، دکتر غروی و دکتر تنضلی

۹- تشکیل جلسات نهائی بررسی متن در دفتر استاد مینوی
با حضور، دکتر زریاب خوئی، دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر احمد تنضلی
و پژوهشگر مقدم بنیاد و تهیه کننده متن.

۱۰- بازخوانی نهائی توسط تهیه کننده و استاد مینوی و بررسی
نهائی توضیحات و یادداشتهای مورد نیاز. بنابراین متنی که برای چاپ آماده

میشود گاهی توسط شش نفر یا بیشتر مورد بررسی و مذاقه قرار داده شده است .

* داستان رستم و سهراب که يك کار آزمایشی دقیق بود و استاد مینوی آنرا به تنهایی برای چاپ آماده کردند ، نخستین قسمت شاهنامه بود که در آبان ماه ۱۳۵۲ انتشار یافت ، استاد در بررسی نهائی این متن از دو پژوهشگر مقدم بنیاد دکتر احمد تفضلی و علی رواقی در باب بعضی بیتها و لغتها استشاره کرده بودند . پس از انتشار رستم و سهراب بنیاد شاهنامه از کلیه افراد ملت ایران بویژه دانشمندان و دانشجویان خواست که اظهار نظر و انتقادهای خود را باین مؤسسه ارسال دارند .

بنیاد شاهنامه از استقبالی که ملت ایران و دانشمندان گزیده از داستان رستم و سهراب کردند سپاسگزار است و کلیه انتقادهای و اظهارنظرها نیز گردآوری گردیده است . در این جا بذکر نام چند نفر از دانشمندان که در این باره با بنیاد همکاری کرده اند اکتفا میشود :

استاد دکتر پرویز ناتل خانلری ، رئیس فرهنگستان ادب و هنر ، دکتر فتح الله مجتبیائی استاد دانشگاه و راین فرهنگي ایران درهند ، دکتر اسلامی ندوشن استاد دانشگاه وجلال خالقی مطلق دانشمندی علاقمند از هامبورگ .

* مسافرت استاد مینوی به پاکستان و هند ، استاد در این مسافرت موفق شدند که سه نسخه مهم شاهنامه را که در کار تحقیقاتی بنیاد مؤثر خواهد بود در اختیار بگیرند ، یکی نسخه موزه ملی هند در دهلی و یکی نسخه ناقص ولی مهم و قدیمی کاما در بمبئی و یکی نسخه مورخ ۷۵۲ در موزه کراچی .

* داستان سیاوش که یکی از طولانی ترین داستانهای شاهنامه است و کتابی در حدود ۶۰۰ صفحه خواهد شد از تمام مراحل بررسی و مقابله و مذاکره گذشته و چاپ آن در چاپخانه دانشگاه آغاز شده است .

* داستان منیژه و بیژن هم بمرحله نهائی قبل از شروع چاپ نزدیک شده است .

* پس از داستان بیژن و منیژه مقدمه فردوسی بر شاهنامه ، ابتدای پادشاهی فریدون و پادشاهی گشتاسب نیز بزودی برای چاپ آماده خواهد شد .

* پژوهشگران بنیاد بخشهای زیر را از مراحل اصلی تحقیق و مقابله

گذرانده‌اند و برای بررسی و اظهار نظر نهائی آماده ساخته‌اند :

پادشاهی فریدون	ص ۲۱	تا ص ۳۴ نسخه اول موزه بریتانیا (نسخه اصل)
پادشاهی منوچهر	ص ۳۵	تا ص ۵۷
پادشاهی کیکاووس	ص ۷۰	تا ص ۸۷
داستان سیاووش	ص ۱۰۱	تا ص ۱۴۴
پادشاهی کیخسرو و فرود	ص ۱۴۵	تا ص ۱۵۵
داستان اکوان دیو	ص ۱۹۸	تا ص ۲۰۰
دوازده رخ	ص ۲۱۶	تا ص ۲۴۵
پادشاهی لهراسب	ص ۲۸۲	تا ص ۲۹۲
پادشاهی گشتاسب	ص ۲۹۲	تا ص ۳۱۹
داستان رستم و شغاد	ص ۳۴۱	تا ص ۳۵۱
داستان بهمن	ص ۳۵۱	تا ص ۳۵۸
داستان اسکندر	ص ۳۵۸	تا ص ۳۸۰
پادشاهی پیروز	ص ۴۵۳	تا ص ۴۵۶
پادشاهی فرایین و یزدگرد	ص ۵۹۰	تا ص ۶۰۲

آنچه ناتمام است :

پادشاهی نوذر - کیقباد - بیژن و بلاشان و کاموس کشانی -
داستان خاقان چین و جنگ بزرگ کیخسرو - داستان رستم و اسفندیار
و داستان اشکانیان و اردشیر و شاپور و شاپور ذوالاکتاف - بهرام و یزدگرد
بزه‌گر و بهرام گور و قباد و انوشیروان - هرمز و خسرو پرویز .

* بنیاد شاهنامه فردوسی همه داستانها و بخشهای گوناگون شاهنامه
را بهمین ترتیب جدا جدا چاپ و انتشار خواهد داد و پس از گردآوری همه
این اظهار نظرها و پژوهش در آن به چاپ اصلی متن انتقادی خواهد پرداخت.

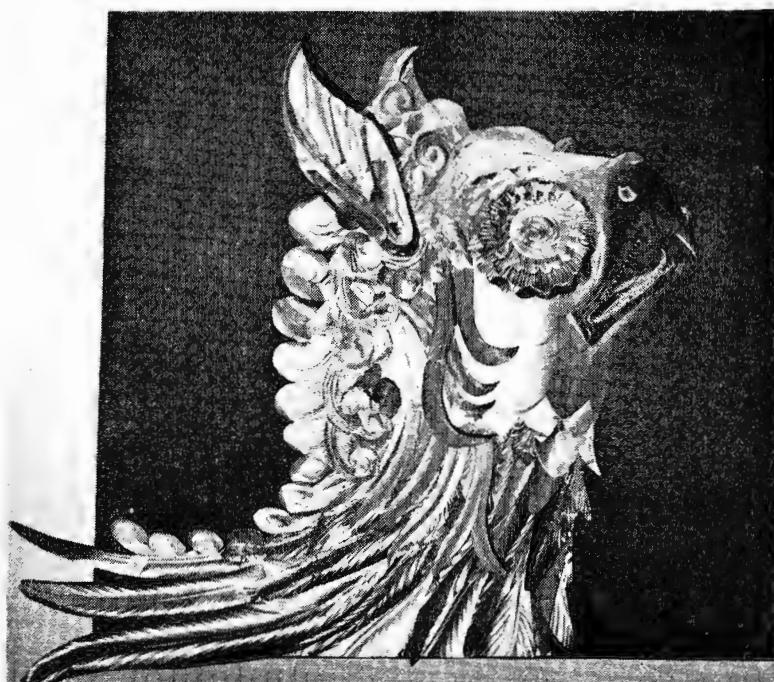
* از طرفی برای نشان دادن موجودیت بنیاد شاهنامه و از سوی دیگر
بمنظور چاپ و انتشار مقالات تحقیقی که با کارهای علمی بنیاد هم‌آهنگ
است نیاز بیک نشریه پژوهشی احساس میشد . نخستین شماره این نشریه تحت
عنوان سیمرغ روز ۲۵ اسفند سال ۱۳۵۱ منتشر شد و همانطور که انتظار
میرفت مورد استقبال بی‌سابقه مردم ایران قرار گرفت و در مدتی کوتاه نسخ
آن نایاب گردید ، در این شماره سیمرغ که در ۱۳۰ صفحه بزرگ انتشار یافت
مقالاتی درج گردید که بیشتر آنها را پژوهشگران بنیاد تهیه کرده بودند .
کلیه مطالب شماره دوم سیمرغ تهیه شده است و بنیاد شاهنامه امیدوار است

که این شماره هرچه زودتر انتشار یابد .

* استاد مینوی و گروه پژوهشگران بنیاد در مجلات دیگر نیز برخی مقالات تحقیقی نوشته‌اند و در بیشتر کنگره‌های ادبی و فرهنگی سه سال اخیر هم بنیاد شاهنامه شرکت فعالانه‌ای داشته است و استاد مینوی و آقای دکتر فروغ چند سخنرانی و مصاحبه رادیویی ، تلویزیونی و روزنامه‌ای نیز اجرا کرده‌اند.



هنرمند بهروز گلزاری در حال تهیه یکی از مجلس‌های شاهنامه که بر مبنای پژوهش‌های استاد جلیل ضیاءپور در بنیاد شاهنامه فردوسی طرح و تهیه می‌شود.



نقش هما، مرغ اساطیری ایران از روی ماکتی که در کارگاه بنیاد تهیه شده است

✽ در شاخه تحقیقی دیگر بنیاد، پژوهشهای هنری و فرهنگی عامه که از اول سال ۱۳۵۲ تشکیل شده است، جلیل ضیاء پور هنرمند و هنرشناس و نویسنده‌ای که سالهاست در وزارت فرهنگ و هنر خدمت میکند پس از برخی پژوهش‌های بنیادی کارهای هنری خود را با همکاری بهروز گلزاری آغاز کرد، گذشته از بررسی شاهنامه، بسیاری کتابهای اساسی مربوط به فرهنگ کهن ایران و تهیه کارتهای مرجع، هنرمندان نامبرده موفق شده‌اند که اشکال سه بعدی قابل قبول از سیمرغ و اژدهای افسانهای بسازند و برای شاهنامه مجالسهای اساسی مطابق با پژوهشهای بنیادی طرح و تهیه کنند.

✽ در پائیز سال جاری بنیاد شاهنامه سازمان جدیدی یافت باین ترتیب که کارهای بنیاد در سه رده مجزا یعنی امور اداری، امور فنی و تحقیقات ردیف شدند و بخش تحقیق که مهمترین قسمت بنیاد است خود به سه شاخه پژوهشی تقسیم شد. این سه شاخه که همه زیر نظر استاد مینوی خواهد بود عبارتند از:

شاخه پژوهشهای ادبی و تهیه متن - شاخه پژوهشهای تاریخی و کتابشناسی

شاخه پژوهشهای هنری و فرهنگ عامه که در این میان دو شاخه تهیه متن انتقادی و پژوهشهای هنری مدتهاست کار خود را آغاز کرده‌اند. شاخه تحقیقات تاریخی و کتابشناسی هم توسط نویسنده این گزارش تأسیس شده و درباره کتابشناسی فردوسی بمعنای وسیع خود آغاز بکار کرده است.

✽ امور فنی در دبیرخانه علمی بنیاد تمرکز یافته و از این ببعده دبیرخانه بنیاد هرگونه کار علمی غیر تحقیقی را از قبیل آموزش، نشریات، کتابخانه، روابط عمومی، تشکیل نمایشگاه و سمینار و جشنواره و کنگره‌ها را سرپرستی و اداره خواهد کرد. دبیرخانه علمی بنیاد هم‌اکنون کارهایی را در زمینه آموزش، نمایشگاه و نشریات آغاز کرده است که امیدواریم نتایج آن در روز فردوسی و جشنواره حماسه طوس ارائه شود.

برنامه آینده

براساس سازمان جدید، بنیاد شاهنامه فردوسی ازجالت يك مؤسسه تحقیقی ساده که هدفش چاپ و انتشار متن انتقادی شاهنامه باشد خارج شده است. بدیهی است تهیه این متن خود پایه همه کارهای اساسی (علمی و ادبی و هنری و آموزشی) دیگری است که در آینده صورت خواهد گرفت اما بادر نظر گرفتن این احساس که اکنون پس از سه سال بررسی و تحقیق گروه پژوهشگران وابسته بنیاد قادر هستند که بکارهای جدیدی دست بزنند و اجتماع کنونی ما نیز با رشد سریع خود آماده بهره برداری از جنبه های مختلف معنوی شاهنامه فردوسی است این تحول صورت میگیرد.

برنامه های آینده بنیاد را باختصار مرور میکنیم:

- ۱- ادامه تحقیق و بررسی درباره متن انتقادی شاهنامه.
- ۲- چاپ و انتشار دومین بخش ازداستانهای شاهنامه (سیاوش).
- ۳- تجلیل از شخصیت فردوسی طوسی در روز ۲۵ اسفند ماه سال جاری با ایراد سخنرانیها، نمایش فیلم، تشکیل نمایشگاه و انتشار کتاب و کتابچه و مقاله و ترتیب دادن برنامه های رادیو و تلویزیونی.
- ۴- شرکت در جشنواره حماسه طوس که بنا به اشاره علیاحضرت شهبانو در سال ۱۳۵۴ برگزار خواهد شد و همکاری بارادیو تلویزیون ملی ایران در تهیه مقدمات و اجرای برنامه های هنری و فرهنگی آن.
- ۵- فعالیت بیشتر در بخش آموزش بنیاد و انتشار کتابهای ساده و درج مقالات و گزیده هایی از شاهنامه در کتابهای درسی و نشریات مخصوص جوانان و نوجوانان.
- ۶- تشکیل سمینارهای ویژه برای بررسی امکانات موجود در راه اصلاح وضع نمایشنامه نویسی و تهیه فیلمهای کوتاه داستانی برمبنای شاهنامه فردوسی.
- ۷- تهیه فیلمهای کوتاه و فیلم استریپ و اجرای نمایش و تهیه مقدمات ساختن يك فیلم بزرگ و جامع برمبنای شاهنامه فردوسی.

۸- همکاری باراديو تلویزیون ملی ایران در راه ترتیب دادن برنامه‌های راديو تلویزیونی مداوم برای عامه مردم وجوانان ونوجوانان باروشی مطلوب ودلیذیر .

۹- تکمیل کتابخانه بنیاد به ترتیبی که بیک کتابخانه فنی اختصاصی مبدل شود وتشکیل مرکز اسناد برای گردآوری وحفظ شاهنامه‌های خطی وچاپی کمیاب ، آثار هنری و اشیاء ساخته شده مربوط به شاهنامه در این مرکز .
۱۰- تشکیل نمایشگاه دائمی برای معرفی فردوسی وشاهنامه‌اش به مردم تهران در محل بنیاد وكوشش در راه تکمیل موزه طوس که در جوار آرامگاه فردوسی تأسیس شده است ، نمایشگاه را میتوان در نقاط دیگر ایران وحتی کشورهای دیگر نیز همزمان باتشکیل کنگره‌ها ومجالس سخنرانی درباره فرهنگ وتاریخ ایران ترتیب داد .

۱۱- ادامه انتشار فصلنامه سیمرغ برای انتشار مقالات ومطالب مربوط به شاهنامه .

۱۲- كوشش برای ترتیب دادن وتکمیل يك کتابشناسی جامع وكامل از کلیه آثار مربوط به فردوسی وشاهنامه‌اش بطوریکه شناسنامه‌ای از کلیه شاهنامه‌ی مکتوب ومطبوع جهان را در مرکز اسناد داشته باشیم وكتابنامه‌ای جامع وكامل از شاهنامه وحماسه‌های ایرانی وغیر ایرانی برای چاپ وانتشار آماده کنیم .

۱۳- ادامه کار شاخه پژوهشهای هنری وفرهنگ عامه در راه بررسی وضع چهره‌ها وپیکره‌ها ، پوشاک ، سلاح و ابزارهای زندگی ودر



نقش بر حسته از پیکره اژدها وپهلوانی که با آن هیولا جنگ می‌کند، تهیه شده در کارگاه هنری بنیاد شاهنامه

- صورت امکان ساختن نمونه‌هایی از این اشیاء و شخصیت‌ها .
- ۱۴ - ساختن پیکره‌های مومی شخصیت‌های اساطیری ، افسانه‌ای ، پهلوانی و تاریخی شاهنامه بهمان روش که برای موزه مردم‌شناسی ساخته میشود .
- ۱۵ - تهیه مقدمات و آمادگی برای برگزاری دومین کنگره فردوسی‌مقارن با چاپ و انتشار متن انتقادی کامل شاهنامه در سالهای نخستین دهه هفتم (۱۳۶۰) .
- ۱۶ - برقراری ارتباط با کلیه مؤسسات فرهنگی و ادبی ایران و جهان که در کارهای علمی و تحقیقی خود با شاهنامه فردوسی ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم دارند .
- ۱۷ - همکاری با مؤسسات تربیتی و تربیت بدنی که بنحوی از حماسه طوس برای رهبری و ارشاد جوانان و نوجوانان بهره‌جوئی میکنند و کوشش برای گسترش بیشتر این نحوه برداشت از شاهنامه .
- ۱۸ - تدارك مقدمات لازم برای تهیه، چاپ و انتشار فرهنگ جامع و دستور زبان فارسی برمبنای شاهنامه .
- ۱۹ - ادامه کار شاخه تحقیقات تاریخی و بررسی روایات تاریخی شاهنامه با در نظر گرفتن متون مختلفی که درباره اعصار تاریخی کهن برجای مانده است .
- ۲۰ - تهیه و انتشار کتابها ، مقاله‌ها ، نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌های مستند درباره اعصار پهلوانی ، اساطیر و تاریخ ایران برمبنای این کتاب و تشویق و تقدیر کسانی که درین رشته‌ها فعالیت میکنند با اهدای جوایز و حق‌التألیف .
- ۲۱ - اخذ تماس و همکاری با کلیه مؤسسات و شخصیت‌های علمی که درباره شاهنامه فردوسی تحقیق و بررسی میکنند و کوشش برای تمرکز این امور در بنیاد و راهنمایی این مؤسسات و شخصیت‌های علمی و فرهنگی .
- ۲۲ - کوشش برای شناخت ارزشهای معنوی شاهنامه و ارائه آن به عامه مردم و ترویج روشهای گوناگون استفاده از این اثر بزرگ ملی در راه تقویت غرور ملی و فرهنگ گرائی مردم ایران .
- ۲۳ - بررسی و تحقیق درباره شاهنامه‌خوانی ، قصه گوئی حماسی ، پرده‌ها و تصاویر قهوه‌خانه‌ای مربوط به شاهنامه ، مرشدی زورخانه‌ها ، کشتی‌گیری و چوگان‌بازی و هرگونه اثر سنتی دیگر مربوط باین حماسه و گردآوری نوار صدا ، عکس ، فیلم و نمونه‌هایی از این مظاهر فرهنگی برای آغاز و ادامه تحقیقات ادبی ، هنری و فرهنگ عامه درین باره .
- ۲۴ - تهیه شناسنامه از کلیه دانشمندی که در گذشته و حال درباره

شاهنامه و آثار حماسی ایران به تحقیق و بررسی سرگرم بوده و هستند و معرفی و شناساندن این گروه به مردم ایران از راه مطبوعات و رادیو تلویزیون .
۲۵ - همکاری با سازمان جلب سیاحان و استانداری خراسان در راه تشویق مردم ایران بخصوص زائران حضرت امام رضا (ع) به بازدید از طوس و مشاهده آرامگاه فردوسی و موزه و کتابخانه آن .

